

(هشت گفتر و موسی میزگرد)

مطلب از این قسرا است

مهدی مظفری ساوجی



www.ketab.ir

انتشارات سوهر مهر (وابسته به حوزه هنری)	
دفتر پژوهش مرکز آفرینش‌های ادبی	
	مطلب از این قرار است (هشت گفت و گو و یک میزگرد)
	مؤلف: مهدی مظفری ساوجی
	ارح جلد: مهدی جوادی نسب
چاپ اول: ۱۳۸۶ شماره: ۱۰۰ شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۵-۶۶۹-۶	
تقلید و چاپ در نسخه‌ها ممنوع است. مجازة رسمی از ناشر است.	
سرشناسه: مظفری ساوجی، مهدی، ۱۳۵۶ - عنوان و نام پدیدآور: مطلب از این قرار است (هشت گفتگو و یک میزگرد) مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوهر مهر، ۱۳۹۴. مشخصات ظاهری: ۲۰۹ ص. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۵-۶۶۹-۶ وضعیت فهرست نویسی: فیبای مختصر یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۸۰۸۷۹	
نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳ صندوق پستی: ۱۴۴-۱۵۸۱۵، تلفن: ۶۱۹۴۴، سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹ تلفن مرکز پخش: (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱ www.soorehmehr.ir	

فهرست ...

۰۷	در آغاز
۱۱	گفت و گو با طاهره صفارزاده
۴۵	گفت و گو با علی موسوی گرمارودی
۵۵	گفت و گو با علی معلم دامغانی
۸۱	گفت و گو با محمد رضا عبدالملکیان
۱۰۱	گفت و گو با عبدالجبار اکایی
۱۱۱	گفت و گو با علی رضا گروه
۱۳۳	گفت و گو با ناصر فیض
۱۶۷	گفت و گو با محمد رمضانی فرخانی
۱۸۷	میزگردی درباره شعر

(با: محمد کاظم کاظمی، سید ابوطالب مظفری و علی رفیعی)

در آغاز

انقلاب ۵۷ فصل تازه‌ای در تئامات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و هنری جامعه ایرانی گشود و بسیاری از معادله‌ها را بر سر لوح داخلی و خارجی به هم زد. هنوز دو سالی از پیروزی انقلاب نگذشته بود که جنگ فرارسید. جنگی که اگرچه از آزمون آن سرافراز بیرون آمدیم، اما زخم‌هایی به همراه داشت که پاره‌ای از آن‌ها هنوز هم التیام نیافته‌است.

به هر حال، شعر ما در دهه اول انقلاب آستن حرارت سیاسی و اجتماعی بود و از این لحاظ مانند روزنامه‌نگار یا عکاسی خبره در خط مقدم وقایع اتفاقیه حاضر بود؛ چه در روزگاری که ماه‌ها و سال‌های پر آشوب دهه پنجاه را پشت سر می‌گذاشت، و چه آن زمان که سراسیمه خود را به خط مقدم جبهه‌ها رساند و سینه‌اش را اماج نیرنگی بلا کرد.

می‌خواستم

شعری برای جنگ بگویم

دیدم نمی‌شود

دیگر قلم زبان دلم نیست

گفتم:

باید زمین گذاشت قلم‌ها را

دیگر سلاح سرد سخن کارساز نیست
باید سلاح تیزتری برداشت
باید برای جنگ
از لوله تفنگ بخوانم
- با واژه فشنگ -

می خواهم
شعر برای جنگ بگویم
شعری برای شهر خودم - دزفول -
دیدم که لفظ موش را
باید به کار برد
اما
موشک
زیبایی کلام مرا می کاست
گفتم که بیت ناقص شعرم
از خانه های شهر که بهتر نیست
بگذار شعر من هم
چون خانه های خاکی مردم
خرد و خراب باشد و خون آلود...

قیصر امین پور

این شعر با آنکه در زمان واقعه سروده شده است، از نمونهای درخشان و ماندگار شعر جنگ به حساب می آید. به جز سطرهایی از آن، که شاید به استضای روز و روزگار سروده شدنش رنگ و بوی شعار گرفته است، هیچ عیب دیگری نمی توان از آن گرفت. نمی دانم در تعریف و تبصره یا در کدام یک از نوشته های نیما خواندم، که شعرهایی که درباره انقلاب یا جنگ سروده می شوند، مثل خمیر فطیر هستند، که قوام نیافته و خام اند. به اصطلاح در دل شاعر نمانده و با او خمیره کار را آماده نساخته اند.

شاید بشود حرف نیما را به این شکل تعدیل کرد که چنین شعرهایی، به اقتضای زمان سروده شدنشان، گرفتار نوعی شتاب زدگی و تب بیان هستند، که این تب با گذشت زمان

پایین می‌آید و رفته‌رفته حالت طبیعی خود را پیدا می‌کند.

به هر حال، این نوع شعرها خواه‌ناخواه جنبه و جنمی هم‌زمانی و هم‌زمانی دارند، که در حقیقت از هم‌داستانی‌شان با واقعه نشئت می‌گیرد.

البته همواره استثناهایی نیز وجود دارند، که به اصطلاح آفتابگردان‌اند و هم‌رنگ جماعت نمی‌شوند. اما قاعده همان است که گفتیم، و نمی‌شود قضاوت را روی شاعران و شعرهای اندک و استثنایی نظیر «تابوت‌های بی در و پیکر» بهزاد زرین‌پور یا «شعری برای جنگ» قیصر امین‌پور گذاشت.

پیر براه نه‌ایم اگر بگویم شعر جنگ هم‌زمان با جنگ زاده شد، نخستین قدم‌هایش را در یکی دو - نگی - سال‌های آغاز جنگ - برداشت، بارها زمین خورد و برخاست، آن‌گاه که زبان باز کرد، کلمات را به‌ندرت درست ادا کرد، و هر چه گذشت، پخته‌تر و به طبیعت شعر نزدیک‌تر شد. تا آنجا که شاعران جوانی که حتی جنگ را به‌درستی درک نکرده‌اند و از آن همه بلوار آشوب فقط خاطره‌ای دور در حافظهٔ کودکی‌شان باقی مانده است، امروز آثار ارزشمند و درخشان در حوزه شعر جنگ پدید می‌آورند.

از استنها که بگذریم، بهترین شعرهای جنگ در سال‌های دههٔ هفتاد و هشتاد سروده شده است. دیگر از ذکر شاهد مثال، به هم‌پویی می‌کنم، که «اظهر من الشمس» است. در واقع نکته همین جاست:

مدتی این مثنوی تأخیر شد

مهلتی بایست تا خون شیر شد

مولوی

نیز:

سحرگه رهروی در سرزمینی

همی گفت این معما با قرینی

که ای صوفی شراب آنگه شود صاف

که در شیشه برآرد اربعینی

حافظ

این کتاب شامل گفت‌وگوهایی است که من در فاصلهٔ سال‌های دههٔ هشتاد با صاحب‌نظران عرصهٔ شعر و ادب انقلاب و جنگ انجام داده‌ام. خوب که آن‌ها را از نظر گذراندم، دیدم بد نیست در کنار دیگر کتاب‌هایی که از این جنس (مصاحبه) از من

منتشر شده است، به چاپ رسانم. البته در این گفت‌وگوها فقط به شعر و ادبیات انقلاب و جنگ پرداخته نشده، و مباحث و مسائل دیگری هم در میان است. بی‌شک جای آدم‌ها و بحث‌های بسیاری خالی است. در واقع این کتاب یک تکه از پازلی است که باید دیگران و از ما بهتران تکه‌های دیگر آن را گرد آورند تا کامل شود.

۱۳۹۱/۷/۱۵

مهدی مظفری ساوجی

www.ketab.ir